



تنهایی

افسرانۀ دات سعادت

۱۳۹۸

www.ketab.ir

سرشناسه	: سعادت‌ی، افسر السادات ۱۳۳۹ -
	Saadati, Afsarosadat
عنوان و نام پدید آور	: تنهایی / افسر السادات سعادت‌ی.
مشخصات نشر	: بروجرد: پارس تاک، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۷۸ ص.
ابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۱۵-۴-۶
حیث فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: سعادت‌ی، افسر السادات، ۱۳۳۹ - -- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.
	Saadati, Afsarosadat -- Notebooks, Sketchbooks, etc.:
رده بندی خره	: PIR۸۳۴۸
رده بندی رایج	: ۸۴۸/۸۶۲
شماره کتابشناسی ما	: ۵۹۵۹۲۷۴



انتشارات پارس تاک

نام کتاب : تنهایی
نویسنده : افسر السادات سعادت‌ی
ناشر : نشر پارس تاک
چاپ اول : ۱۳۹۸
تیراژ : ۵۰۰
قطع : رقعی
چاپ : پیشگام
طراح جلد : کورش پرهام
قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۱۵-۴-۶

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات پارس تاک محفوظ است.
نشانی: لرستان- بروجرد - خیابان سیدمصطفی - کوچه شهید عزیززاده - پلاک ۱
انتشارات پارس تاک
تلفن : ۰۶۶۴۲۵۳۶۹۳۳ - ۰۶۶۴۲۵۱۳۶۳۶

کمی به کلمه‌ی تنهایی فکر کنید. چه موضوع‌هایی به ذهنتان می‌رسد؟ آیا این موضوعات افسردگی، ضعف شخصیتی و ناراحتی هستند؟

از همین لحظه که شروع به خواندن در مورد تنهایی می‌کنید باید بدانید که تنهایی یک بیماری نیست؛ بلکه نجاتی از روزمرگی‌تان است. جالب است، خیلی جالب، این همه کتاب، مقاله، دکتر، دوست و آشنا همه در مورد اهمیت اجتماعی بودن در عصر مدرن صحه می‌کنند. در مورد چگونگی ایجاد یک تأثیر خوب در مصاحبه کاری، روز اول دانشگاه، اولین قرار عاشقانه‌تان، روابط بین همکاران، دوستی و خلاصه اولین هر چیز... اما دریغ از یک کتاب یا دکتری که به ما تنها بودن و مهم‌تر، لذت از آن را یادمان دهد. و اینکه تنهایی، رنج نیست، انگ نیست. بلکه جرئت متفاوت بودن است. شاید شما از آن آدم‌های بر در و جرئت هستید که می‌خواهید با دل‌وجان زندگی کنید و از زندگی لذت ببرید و معتقد به آنکه با تمام ذرات وجودتان از نعمت‌های زندگی بهره‌مند شوید، باید فرصتی فراهم سازد تا فارغ از مشغله‌های ذهنی و حصارهایی که هنجارهای اجتماعی برای محافظت از شما دورتان کشیده‌اند، اعماق وجودتان را بکاوید. شاید هم نباشید. برای من فرقی نمی‌کند، زیرا خود از این گروه هستم. شاید شما هم مثل من عاشق طبیعت باشید. عاشق طبیعتی که دست‌نیافتنی باشد. آن طبیعتی که هیچ‌گاه فرصت لذت بردن از آن را نداشته‌است. پس می‌کنید از چیزهایی غافلید و اینکه این حس هم برایتان ناشناخته است. و اما... از این هم می‌شود؟ بله. با کمی فکر درمی‌یابید که در عصرها، فرهنگ‌ها و کشورها، آدم‌هایی بوده‌اند که این حس شمارا داشته‌اند؛ اما از آن به نحوی استفاده کرده‌اند. آن سوئیفت، پیکاسو، گوته، ادگار آلن پو، سرزنشان نمی‌کنم اگر این آدم‌ها را نشناسید. شاید شما به اندازه کافی تنها نبودید. شاید هم وقت تنها بودن نکردید. چه بد!

نه. اشتباه متوجه شدید. من دوستانی هم دارم. دوستانی ارزشمند اما محدود که حرفت را گوش می‌دهند. دوستانی که از لذت صحبت با آن‌ها سرعت پلک زدنشان کم می‌شود و نگاهشان سرشار از علاقه. دوستی همچنان یکی از ارزش‌های بنیادی زندگی من به شمار می‌رود. هیچ‌کدام از این دوستی‌ها نه سختی با تنهایی داشته و نه بهبوددهنده آن بوده‌اند. پس خیالتان را راحت کنم. من از آن دسته آدم‌های عاشق تنهایی‌ای نیستم که ممکن است عاقبت به یک قاتل زنجیری بدل شود. نه. اتفاقاً برعکس. شاید من حتی بیشتر؛ شما هم، از زندگی لذت ببرم. کسی چه می‌داند. شاید من هم یک روز پیکا'وی. بیای ساکت خود شوم. شاید هم نه. یادم می‌آید، وقتی که هنوز با تنهایی خود خو نگرفته بودم و برای آن خودم را مواخذه می‌کردم، تصمیم گرفتم بخشی از زندگی‌ام را و با آزمای برخی عقاید و نظریات درزمینه سکوت و تنهایی کنم. نتیجه این‌همه آزمایش چه بود؟ خب برایتان می‌گویم. در کمال تعجب دیدم که عاشق سکوت‌م. با خلق و خوی، سازگار بود. هرچه سکوت بیشتر می‌شد من هم حریص‌تر می‌شدم. آن قدر دنبال سکوت می‌شدم، اینجا را پیدا کردم. این صفحه‌ی سفید و ساکت و خلوت که منتظر بود با کلمه‌های من، ذهن بعضی از شمارا شلوغ‌تر کند. واقعیتی که ممکن است همه از آن فرار کنند و احتمالاً به‌دانشش را نداشته باشند این است که ما با تنهایی مشکل فرهنگی جدی‌ای داریم. تنها بودن در جامعه امروز سؤال بسیار مهمی را در ارتباط با هویت و سلامت ما مطرح می‌سازد. اما آیا این است؟ در ابتدای مقاله به کلمه‌ی کوتاه اشاره کردم. پس با اجازه‌تان زیر حرفم می‌نویسم. ما قبل از اینکه این مقاله را به پایان برسانم لازم است شمارا با سؤالی مبهم تنها بگذارم. سؤالی، که هم ذهن من و هم دوستداران تنهایی زیادی را به خود مشغول کرده... چطور ممکن است در دنیایی نسبتاً پررونق و توسعه‌یافته زندگی کنیم که دست‌کم از لحاظ فرهنگی، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ برای استقلال، آزادی فردی، رضایت از زندگی، حقوق و مهم‌تر از همه، فردگرایی ارزش قائل است، اما افراد مستقل، آزاد و خرسند از زندگی، از تنها بودن وحشت داشته باشند؟

آرش نقدی به ویرایش ناشر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	«زندگی»
۴.....	«نهای»
۷.....	«زنگی»
۹.....	«چگونه می‌توان گفت، که دوست دارم»
۱۱.....	«محمد شهیدی»
۱۴.....	«زندگی ۳»
۲۳.....	«من کیستم»
۲۷.....	«شهادت حضرت علی (ع)»
۳۱.....	«گفتگویی دوستانه با دوستی جانانه»
۴۰.....	«خدا، آرامش دهنده وجودم»
۴۳.....	«خیمه شب بازی»
۴۷.....	«چرخه زندگی»

۴۹..... «از بهار بگو»

۵۱..... «افیون و جدایی، زوال و مرگ»

۵۷..... «من، کجا رَوم؟»

۵۹..... «سند، یا گریه»

۶۴..... «خورسید - رپس - بر»

۶۷..... «کاریکلماتور»